



**دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال**

**دانشکده مدیریت**

**عنوان درس:**

**مبانی برنامه ریزی پیشرفت و عدالت**

**مدرس:**

**دکتر اردشیر بذرکار**

## مقدمه

توسعه اقتصادی می تواند روند پیشرفت و توسعه کلی یک کشور را رونق داده و موجبات توسعه کشورها را در همه زمینه ها فراهم نماید، توسعه کشورها بر مبنای نظریه نوسازی که در نیمه دوم قرن بیستم توسط اندیشمندانی چون دانیل لرنر مطرح گردید باید بر محور توسعه اقتصادی بنا یافته و توسعه اقتصادی به عنوان پیش شرط توسعه کشورها به حساب می آید.

بر مبنای همین نظریه بود که توجه به توسعه اقتصادی در صدر تلاشهای کشورهای در حال توسعه در نیمه دوم قرن بیستم قرار گرفت و توجه همه جانبه به توسعه اقتصادی توجه به زمینه های دیگر توسعه را کمرنگ ساخته و مورد بی توجهی قرار گرفت.

بر مبنای نظریه نوسازی کشورهای فقیر که تلاش دارند به توسعه دست پیدا کنند و موجبات آسایش مردم خود را فراهم آورند ابتدا باید الگوهای توسعه کشورهای غربی و توسعه یافته را صد درصد اجرا نموده و توسعه اقتصادی را در صدر برنامه های خود قرار بدهند، تقلید از الگوهای توسعه کشورهای توسعه یافته بدون توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی کشورهای خودشان و اصل قرار دادن توسعه اقتصادی حتی با قربانی ساختن توسعه در حوزه های اجتماعی و فرهنگی را می توان زیر بنای نظریه نوسازی برای توسعه کشورها قلمداد نمود.

دولتمردان زیادی جهت نیل به توسعه اقتصادی تمام تلاش خود را به خرج داده و توسعه در سایر زمینه ها را به فراموشی سپردند که این باعث بی توجهی به سایر زمینه های توسعه گردید، توسعه فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی از سوی بعضی از این دولتمردان به فراموشی سپرده شد تا به توسعه اقتصادی دست یابند.

پیشرفت و توسعه اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار بوده و همین باعث شده است که کشورهایی که به توسعه اقتصادی دست یافته اند، کم کم در سایر زمینه ها نیز به توسعه دست یابند اما بسیاری نیز دچار بحرانهای زیادی شده و درگیری های سیاسی و اجتماعی توسعه اقتصادی را نیز از بین بردند.

امروزه در ادبیات جامعه‌شناختی غرب از توسعه سخن می‌رود و بحث‌های مرتبط با پیشرفت جایگاه چندانی ندارد. به نظر از دیدگاه آنها پیشرفت حاصل توسعه است. به این معنا که اگر توسعه را برنامه‌ای آگاهانه در جهت ارتقای سطح کیفی همه ابعاد زندگی در نظر آوریم، جامعه‌ای که چنین برنامه‌ای را در خود تحقق بخشد، پیشرفته محسوب می‌شود. با این حال، در بحث شما یا در دیدگاه‌هایی که در جوامع به اصطلاح در حال توسعه تا توسعه نیافته مطرح می‌شود، واژه پیشرفت بار ارزشی دارد که عمدتاً از تقابل میان این کشورها با کشورهای (پیشرفته) غربی حاصل آمده است. به هر روی، نکته قابل طرح این است که چرا در ادبیات غربی از پیشرفت صحبتی به میان نمی‌آید و ... .

## پیشرفت چیست؟

عده ای پیشرفت را همان توسعه تعبیر کردند و یا حداقل در ادبیات موجود توسعه به جستجوی تعریف پیشرفت و مختصات آن پرداختند. هر چند پیشرفت با مفهوم توسعه شباهت‌های زیادی دارد اما تبیین آن به طور کامل در ادبیات توسعه موجود به ویژه در چارچوب اقتصاد متعارف یافت نخواهد شد. واژه توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی بسیار پرکاربرد و رایج است و در طول زمان معنا و ماهیت خاص خود را پیدا کرده که ابزارها، دلالت‌ها و مصادیق ویژه خود را دارد. در مقابل واژه «پیشرفت» به دنبال تبیین و حتی تعریف یک چارچوب مفهومی دیگر است که هنوز به صورت کامل تبیین نشده و حد و مرز آن با سایر مفاهیم مشابه مشخص نشده است. پیشرفت باید در طول زمان شاخصه‌ها و مولفه‌های خود را در ادبیات تئوریک بگنجاند.

دقت کنیم که «توسعه»، «پیشرفت» نیست. پیشرفت ترجمه واژه «Progress» و توسعه ترجمه واژه «development» است. این قول جافتاده‌ای است که «پیشرفت»، توسعه نیست. در مفهوم علمی، توسعه، مبین یک نوع بازسازی کامل جامعه و به عبارت دیگر، تحول تمدنی به تمدن دیگر است. (قره‌باغیان، ۱۳۷۰) سازمان ملل متحد توسعه را این گونه تعریف نموده است: توسعه فرایندی است که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی هر منطقه متحد ساخته ... آن‌ها را بطور کامل برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا می‌سازد.

پیشرفت جهات فرهنگی، معنوی، اخلاقی و ابعادی متناظر و متناسب با فرهنگ یک جامعه دارد که الزاما ممکن است در تعریفی خاص از توسعه قرار نگیرد. وقتی فی‌المثل توسعه را با الگوهای رایج آن در نظر می‌گیریم، در آنجا نمی‌توان از تعالی اخلاقی و معنوی دم زد بلکه باید بیشتر به دنبال توسعه اقتصادی بود. حتی زمانی که بحث توسعه همه‌جانبه مطرح می‌شود، باز در آن ابعاد اخلاقی و معنوی را نمی‌توان دید. در نظریه‌های رایج توسعه و نوسازی بیشتر بر رشد اقتصادی شاخص‌های گوناگون توجه می‌شود.

حالا ممکن است در نظریه‌ای شاخص‌ها محدودتر باشد و در یکی جامع‌تر یا در یکی به ملزومات هنجاری و فرهنگی توجه شود و در دیگری نه و یا ممکن است نظریه‌ای تنها عوامل درونی را ببیند و از عوامل بیرونی غفلت کند و نظریه‌ای دیگر برعکس، تنها بر عوامل بیرونی تکیه کند و عوامل درونی را کنار بگذارد، برخی نظریه‌ها هم تلاش دارند همزمان بر عوامل درونی و بیرونی و ربط آنها به یکدیگر توجه نشان بدهند. این کمی کار را مشکل کرده است؛ به این معنا که اگر پیشرفت را به توسعه تقلیل بدهیم، با مجموعه‌ای از پارادایم‌های مختلف توسعه مواجهیم که بین آنها هیچ وجه مشترکی وجود ندارد و تنها بسته به رویکرد نظری ای است که اتخاذ می‌شود؛ اما وقتی پای پیشرفت به میان می‌آید، کار هم سخت‌تر می‌شود و هم راحت‌تر؛ سخت‌تر از این حیث که ابعاد اخلاقی، فرهنگی، معنوی و تاریخی وارد می‌شوند و ساده‌تر از این نظر که با مقوله ملموس‌تر و خودی‌تری مواجهه خواهیم داشت.

پس از دهه ۷۰ میلادی اجماع نسبی در مورد معنای توسعه به وجود آمده که توسعه، فرآیند تحول در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی است و صرفاً شامل افزایش رشد اقتصادی نمی‌شود. توسعه جریانی چند بعدی است و در عرصه‌های مختلف زندگی انسان - و نه فقط در عرصه اقتصاد - ظاهر می‌شود. توسعه مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه کن کردن فقر مطلق است. به عبارت دیگر، توسعه، به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی مدرن‌تر است.

به طور کلی تمام تعاریفی که در مورد توسعه بیان شده در چند اصل با هم مشترک هستند:

- ۱- افزایش تولیدات اقتصادی همراه با افزایش پس‌انداز و انباشت سرمایه
- ۲- کشف و توسعه منابع طبیعی جدید و پرورش مهارت‌های انسانی برای استفاده از این منابع
- ۳- تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی
- ۴- افزایش تحرک اجتماعی، روانی و جغرافیایی

سوال: آیا می‌توان گفت؛ توسعه اصطلاح عامی است که پیشرفت را در درون خود دارد به این معنا که پیشرفت، رویکرد نظری و عملی ویژه‌ای به توسعه است؟

به نظر برعکس است؛ یعنی پیشرفت توسعه را هم دربردارد و توسعه الزاما پیشرفت را دربرندارد. البته بستگی به تعریفی دارد که از توسعه ارائه می‌دهید. اگر تحت تأثیر رویکردهای جاری توسعه قرار بگیریم، متوجه می‌شویم که توسعه الزاما پیشرفت نیست اما اگر پیشرفت را اساس و نوعی برون‌شدگی از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب در نظر بگیریم و نگاه جامعی به این برون‌شدگی داشته باشیم و از جهت‌های این برون‌شدگی هم غفلت نکنیم، آنگاه می‌توان گفت که پیشرفت، توسعه را هم دربردارد. نظریه‌های نوسازی، شاخص‌های خاصی هستند و بیشتر نگاهی معطوف به تمایز یافتگی و تفکیک ساختاری دارند.

سوال: آیا انسانی که در یک شهر زندگی می‌کند، الزاما پیشرفته‌تر از انسانی است که در روستا زندگی می‌کند؟

شاید در اوایل شکل‌گیری جامعه‌شناسی این پرسش جواب روشن و قاطعی داشت اما امروزه با قاطعیت نمی‌توان آن را پاسخ گفت. امروزه می‌گویند هیچ ضمانتی وجود ندارد کسی که در شهر زندگی می‌کند، یک زندگی راحت‌تر، روان‌تر، با نشاط‌تر، اخلاقی‌تر و با مشکلات هویتی کمتری نسبت به کسی که در روستا زندگی می‌کند، داشته باشد.

بنابراین باید هم نگاهی جامع و هم فرهنگی به توسعه داشت. فرهنگ توسعه با توسعه فرهنگی متفاوت است. فرهنگ توسعه به این معناست که توسعه الگوی واحدی دارد و این الگو در غرب شکل گرفته است و امروزه هم آمریکا در اوج این توسعه‌یافتگی و کشورهای دیگر هم باید متوجه این معنا باشند که غرب چگونه توسعه یافته است. یکی از الگوهایی که در نظریه‌های توسعه مطرح می‌شود، الگوی فرهنگی است. در الگوی فرهنگی توسعه بر این تکیه می‌شود که چه اتفاقاتی در غرب رخ داده که منجر به توسعه شده است.

## عدالت

مفهوم عدالت در اندیشه بشری همواره از قداست و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در اندیشه اسلامی نیز یکی از اهداف اساسی دولت می‌باشد. اگر چه ممکن است عدالت در ظاهر مفهوم بسیطی داشته باشد اما هنگامی که فکر بشری به مصاف آن می‌رود با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های گوناگونی در تحلیل ابعاد آن روبرو می‌شود. به هر حال عدالت مفهومی است کلی و نیازمند تبیین و شفاف‌سازی. و بدین سبب این مفهوم همواره یکی از دغدغه‌های بشر بوده و همواره در ضمن مسائل مورد بحث در حیطه‌های اندیشه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

بعد از رنسانس عدالت مفهوم زمینی یافت و به مسئله حقوق و روابط متقابل تعمیم یافت. متفکران اسلامی نیز در این باره علی رغم وجود مواضع تعیین کننده برای تنظیم نظام های عادلانه اجتماعی اقتصادی تفکر منسجمی ارائه نکرده اند. به عبارت دیگر هنوز نظریات مطرح شده در عدالت به درجه ای نرسیده اند که ملموس و در عین حال جامع باشند. به عنوان مثال مسئله عدالت اقتصادی در حدی که در ادبیات امروزی مطرح است در اندیشه های اسلامی تجزیه و تحلیل نشده است. اجمالاً تعریف عدالت در دید اسلامی عدالت، «اعطاء حق به ذی حق» و یا «برقراری وضعیت شایسته و بایسته» است. بر مبنای تعریف دوم، در اسلام وضعیت بهینه و بایسته (همان وضعیت عادلانه) به منزله مقیاسی برای بررسی وضعیت موجود و اندازه گرفتن فاصله از وضع مطلوب عمل می کند.

**شهید صدر** بیان می کنند که مفاهیم عدالت و عدالت اجتماعی در اسلام، مفاهیمی آرمانی و انتزاعی نیستند بلکه از مفاهیمی هستند که از ویژگی برجسته قابلیت اجرا برخوردارند (جمشیدی، ۱۳۷۹: ۶۰۶). از نظر ایشان، از نشانه های وجود عدالت در حوزه اجتماع می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- فقدان دو گانه نگری ناشی از تبعیض های اجتماعی و برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه
- فقدان شکاف اقتصادی یا شکاف در سطح معیشت در جامعه
- تأمین نیازهای اولیه و نیازهای ثانویه یا درجه دو تمام افراد جامعه بر اساس توازن اجتماعی
- رشد همه جانبه استعداد های تمام افراد جامعه و ضایع نشدن استعدادها
- قرار گرفتن هر فرد در مسئولیت و مقام درخور خود
- نبودن فقر و فاقه و بیچارگی و عقب ماندگی در جامعه
- فقدان عوامل و معیارهای منفی نظیر دنیا گرایی، فقر، ناآرامی، خیانت، ناامنی به ویژه در مسکن، شغل و معیشت.

به نظر می رسد این برداشت از عدالت - و به تعبیر صحیح تر این برداشت از شاخص های عدالت - در جامعه به حدی وسیع باشد که بسیاری از ابعاد توسعه را در برگیرد. به عنوان مثال تأکید بر برخورداری و تأمین نیازهای اساسی یکی از شاخص های توسعه است. و یا رشد همه جانبه استعداد های افراد به نوعی در بردارنده توسعه انسانی می باشد. علاوه بر این برداشت شهید صدر از عدالت مفاهیمی عمیق تر از توسعه را نیز در بردارد. که شاید به مفهوم پیشرفت نزدیک باشد.

## توسعه و عدالت

از دیر باز بسیاری از اقتصاددانان بر این عقیده بوده اند که رویه ی عادی در اقتصاد نئوکلاسیک به افزایش فاصله ی طبقاتی و ثروتمندتر شدن ثروتمندان می انجامد. به عنوان مثال ریکاردو بر این عقیده بود که ادامه روند در شرایط زمان او موجب ثروتمندتر شدن زمین داران و فاصله گرفتن آنها از قشر کشاورزان می شود (به دلیل بهره گیری از رانت) و یا مارکس نیز با استدلال بهره کشی صاحبان سرمایه از کارگران این امر را پیش بینی کرده بود. مبادله بین کارایی و برابری نیز تابویی شده بود تا بسیاری از اقتصاددانان با حمایت از کارایی عدالت را امری درجه دو بنامند. در گذر زمان و با مطرح شدن اقتصاد توسعه به ویژه از ابتدای دهه ۹۰ میلادی بحث برابری در مباحث اقتصاد توسعه قوت بیشتری گرفت و اقتصاددانان توسعه صرف افزایش درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی را برای جامعه مطلوب ندانسته و فاکتورهای دیگری را نیز در جریان اقتصادی موثر دانستند؛ مثل محیط زیست، رفع تبعیض، زنان، ... و برابری.

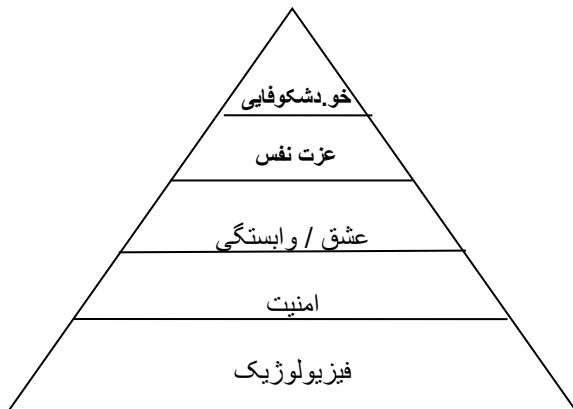
## امنیت عمومی:

در کشور ما شاخص های عینی امنیت نسبت به سایر کشورها(به جز ترافیک) در وضعیت مطلوبی قرار دارد، اما احساس امنیت در حد مطلوب وجود ندارد.

این احساس امنیت مطلوب در جوامع دیگر به خاطر :

(1) داشتن تأمین اجتماعی

(2) رعایت نظم و انضباط رفتاری



## وضعیت موجود برخی از شاخص های امنیت عمومی در ایران

(1) ریسک ترافیک

(2) ریسک سلامتی

(3) ریسک تصادف

(4) طبق آمار اینترپل در بین 74 کشور وضعیت نرخ جرائم در ایران قابل قبول است.

## پتانسیل ها و مزیت ها:

(1) زنده بودن آرمان و ارزش های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

(2) وجود نهادهای قانونی مناسب برای کنترل امنیت

(3) همکاری و مشارکت مردم در تأمین امنیت و انضباط عملی 110 و 113

(4) همکاری رسانه ها با نهادهای مسئول نظم و امنیت عمومی

(5) حضور موثر واحدها و نیروهای انتظامی در گستره جغرافیایی کشور

(6) وجود تشکل های غیردولتی و مردم نهاد در بسیاری از حوزه های امنیت عمومی و انضباط اجتماعی انجمن مبارزه اعتیاد حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی

## چالش ها:

(1) مهاجرت ، بیکاری و حاشیه نشینی

(2) متنوع بودن مواد مخدر صنعتی و کم حجم شدن مواد مخدر و روان گردان ها

(3) تنوع و طولانی بودن مرزهای کشور و همجواری با کشورهای نفوذپذیر و بی ثبات

(4) پایین بودن سطح معشیت در مناطق مرزی شرق کشور

(5) فقدان نگرش استراتژیک به اوقات فراغت جوانان جوانان و الگوی مناسب ابراز شادمانی و نشاط

(6) کاهش سطح بهداشت روانی جامعه به علت فشارهای اقتصادی و اجتماعی

7) فقدان یکپارچگی اطلاعاتی برای برای تأمین اشراف و کنترل کافی بر امور و روندهای موثر در امنیت عمومی و انضباط اجتماعی

8) توجه اندک به توسعه اجتماعی و مسئولیت های پیشگیری از زمینه های آسیب زا، به هم خوردن اشکال و چارچوب های سنتی جرم و تخلف (در نورددیده شدن مرزهای سنی، جنسی، صنعتی، قشری در ارتکاب به تخلف و جرم)

9) تهاجم فرهنگی دشمنان خارجی و تحریک پذیری برخی از اقشار و گروه های اجتماعی

10) حضور غیرقانونی و فعالیت اتباع بیگانه در کشور

11) تولید نارضایتی توسط برخی از دستگاه های ناکارآمد

12) پدیدار شدن خرده فرهنگ های کجرو و انحرافی به صورت های مختلف و مخدوش نمودن امنیت اخلاقی و فرهنگی جامعه

13) استفاده نادرست از فناوری جدید ارتباطات و اطلاعات

14) پایین بودن سطح تأثیر سیستم مقابله قضایی در اصلاح پذیری و بازدارندگی از جرم (تکرار جرم)

15) عدم مدیریت تقاضاها و مطالبات مردم

16) دیده ی محرومیت نسبی و افزایش احساس بی عدالتی و پتانسیل خشونت در جامعه

17) کاهش منزلت اجتماعی الگوهای مرجع و روند کاهش سطح تأثیر و کنترل خانواده و مدرسه

### اهداف کلان

1) ایجاد نظم و انضباط اجتماعی

2) تأمین احساس امنیت و آرامش در مردم

3) تأمین ثبات و امنیت توسعه یافته و پایدار

### اهداف کمی

1) کاهش ریسک ترافیک

2) کاهش ریسک سلامتی

3) کاهش ریسک تصادفات

4) کاهش جرائم خطرناک (آدم ربایی و...)

5) کاهش جرائم مهم (سرقت و...)

6) کاهش جرائم خرد (کم اهمیت)

7) کاهش جرائم امنیتی (ترور ، بمب گذاری، جاسوسی و...)

8) کاهش قاچاق کالا

### راهنماها:

1) پیشگیری از بروز موقعیت ها جرم خیز

- (2) توسعه سامانه یکپارچه اطلاعات
- (3) ایجاد تناسب و تعادل بین ظرفیت ها و عوامل حمل و نقل و ترافیک و ارتقای ایمنی و کاهش خسارتها
- (4) کنترل موثر مرزها
- (5) همکاری نظامند با دستگاههایی که مستقیم و غیر مستقیم ارتباط دارند.
- (6) اعمال موثر قوانین و مقررات
- (7) افزایش ریسک قاچاق کالا و ارز
- (8) تقویت زمینه ها و قانونمند کردن نحوه ی ابراز مطالبات صنفی
- (9) استقرار و تقویت سامانه های محله محور
- (10) توسعه و بهبود پرتوکل های مرزی و دیپلماسی مرزی با کشورهای همجوار

### **اقدامات اساسی:**

- (1) تجهیز نیروهای نظامی ، انتظامی و امنیتی به سیستم های پیشرفته اطلاعاتی
- (2) تدوین و استقرار نظام پیشگیری چند لایه از نظر توسعه اجتماعی ، تعیین نقش و مسئولیت هر دستگاه نسبت به پیشگیری از بروز موقعیت های آسیب زا و بخش عملکرد آنها
- (3) تقویت نقش خانه و مدرسه و ارتقای سطح نفوذ و تأثرگذاری مثبت آنها در تربیت و هدایت نوجوانان و جوانان
- (4) توسعه متوازن اقتصادی با توجه بیشتر به مناطق محروم کشور
- (5) توسعه سامانه های کنترل تصویری معابر شهری و جاده ها به منظور بهره برداری بیشتر از سطح معابر و برقراری انضباط مطلوب در جاده ها
- (6) توسعه ساز و کارهای تصمیم گیری و تصمیم سازی در نهادهای ذیربط
- (7) ارتقای سطح هماهنگی نهادهای دخیل در مبارزه با قاچاق کالا و مواد مخدر
- (8) تقویت تشکل های مردم نهاد ذیربط
- (9) ایجاد شرایط و زمینه های بهبود سطح بازدارندگی مکانیزم های نظامی و انتظامی
- (10) اعمال محرومیت های اجتماعی برای هنجار شکنان
- (11) ساز و کار تشویق و تنبیه افراد موثر
- (12) افزایش سطح صیانت و صحت عمل نیروی انتظامی و امنیتی

### **امور تولیدی و زیر بنایی**

#### **صنعت و معدن**

در اقتصاد مدرن نقش صنعت بیش از پیش حائز اهمیت می شود . لازمه ی رشد سریع و بهبود و وضعیت صنعت ساماندهی صحیح محیط آن، یعنی کلان اقتصاد می باشد. لذا سعی شده عوامل موثر در صنعت نظیر: فضای کسب و کار ، استراتژی تجاری، سیاست های پولی و مالی و راهبردی رشد اقتصادی ، میزان مداخله دولت در اقتصاد کلان مورد توجه واقع شود.



## پتانسیل‌ها (مزیت‌ها)

- 1) ارزان بودن نیروی کار
- 2) بالا بودن رشد ارزش افزوده ی بخش صنعت نسبت به سایر بخش‌ها
- 3) امکان دسترسی بنگاههای صنعتی به بازارهای مناسب داخل و منطقه
- 4) وجود سرمایه گذاری خارجی
- 5) وجود نیروی انسانی مناسب و متخصص در کشور
- 6) وجود معادن و ذخایر عظیم نفت و گاز و تولیدات کشاورزی برای تأمین مواد اولیه

## چالش‌ها:

- 1) غالب بودن فضای فناوری قدیمی با بهره برداری پایین
- 2) پایین بودن سطح کیفی و مهارتهای نیروی انسانی
- 3) عدم توجه و عدم سرمایه گذاری کافی در زمینه تحقیق و توسعه در مقیاس بنگاهی
- 4) پایین بودن کیفیت محصولات تولیدی و عدم برخورداری از استانداردهای بین‌المللی
- 5) حضور ضعیف بخش خصوصی در واحدهای بزرگ مقیاسی
- 6) وجود موانع خود باور در مسیر انتقال فناوری
- 7) وجود رقبای دارای فناوری به روز دنیا
- 8) پایین بودن میزان سرمایه گذاری خارجی
- 9) نامناسب بودن فضای کسب و کار

## اهداف کلان:

- 1) پایدارسازی رشد ارزش افزوده ی بخش صنعت دو رقمی کردن آن
- 2) ارتقای سطح فناوری صنعت

## راهبردها:

- 1) تمرکز به تولید محصولات با ارزش افزوده ی بالا و توسعه صنایع با فناوری بالا و متوسط
- 2) توجه به افزایش بهره وری نیروی کار در صنعت
- 3) فراهم کردن افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی
- 4) افزایش سهم سرمایه گذاری واحدهای صنعتی در تحقیق و توسعه (R&D)
- 5) تمرکز بر تولید کالاهای دارای مزیت رقابتی و مزیت نسبی آشکار شده
- 6) تأکید بر بهبود کیفیت تولید بویژه صادرات
- 7) تمرکز بر استراتژی توسعه صادرات

## اقدامات اساسی

- 1) حمایت از تولید محصولات و سرمایه گذاری برای ایجاد واحدهای صنعتی با ارزش افزوده ی بالا
- 2) بهبود سطح کیفی (تحصیلات و مهارتهای نیروی انسانی)
- 3) ساده سازی قوانین و مقررات
- 4) تأمین منابع بلند مدت مالی برای سرمایه گذاری و کوتاه مدت برای افزایش سودآوری
- 5) روان سازی عملیات تأمین مالی کوتاه مدت
- 6) تعیین اولویت های صنعتی
- 7) حمایت از توسعه صنایع با فناوری بالا و متوسط
- 8) حمایت از تولید کالاهای دارای مزیت رقابتی و مزیت نسبی آشکار شده
- 9) نظارت و حمایت از تولید کالاها منطبق با استاندارد
- 10) قبول هزینه های مربوط به ارتقای فناوری
- 11) محدود کردن دخالت دولت به حوزه های نوع فناوری
- 12) ایجاد مراکز جمع آوری و انتشار اطلاعات مربوط به فناوری های نوین ، فناوری های برتر بویژه برنامه های دور نگرتر توسط حمایت مالی دولت
- 13) برنامه ریزی برای شناسایی روابط عمودی و افقی لایه های صنعتی کشور
- 14) پرداخت بخشی از هزینه های خرید دانش فنی و استقلال فناوری صنعت ساخت
- 15) باز خرید 30٪ از مالیات واحدهای تولید مواد غذایی با آرم حلال

## 2) مسکن و شهرسازی

الف) مسکن

ب) ساختمان

ج) معماری

ت) شهرسازی

## 3) کشاورزی

الف) کشاورزی

ب) تولیدات زراعی و باغی

پ) منابع طبیعی (جنگلها و مراتع)

ت) مدیریت خاک

ث) دام و طیور و شیلات

ج) بهره وری آب

## 4) آب و آب وفاضلاب

5) محیط زیست

## عدالت اجتماعی

در مبانی اعتقادی و فرهنگ دینی اسلامی، عدل از اصول دین بوده و مبنای اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و حیات احکام اسلام است. به تعبیر دیگر، هدف از بعثت انبیاء؛ قسط و عدل و همچنین بستر سازی برای تکامل و تعالی انسانهاست. با توجه به اهمیت موضوع و نگاه ویژه‌ی این برنامه به پیشرفت و عدالت و عدالت اجتماعی، ضمن نام گذاری برنامه به ((برنامه‌ی برای پیشرفت و عدالت)) و توجه به آن در همه‌ی فصول، در این فصل نیز به دو حوزه از پنج حوزه ذیل می‌پردازیم:

### 1) توزیع درآمد و رفاه اجتماعی:

#### تصویر اجمالی و وضعیت موجود:

#### شاخص‌های کلیدی و اصلی حوزه‌ی توزیع درآمد و رفاه اجتماعی عبارتند از:

– **ضریب جینی:** میزان ضریب جینی در ایران از سال 1378 تا 1387 روند نسبتاً ثابتی داشته و به 0/406 افزایش یافته است. این شاخص در طول سالهای 83 الی 86 با کمی افزایش ناعادلانه تر شدن وضعیت توزیع درآمد را نشان می‌دهد. این شاخص در سال 1383، 0/399 بوده که در سال 86 به 0/406 افزایش یافته است. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال 2005 ایران در بین 12 کشور منطقه بعد از ترکیه، با احراز رتبه یازدهم، بدترین وضعیت از نظر این شاخص را دارا می‌باشد.

– **مقایسه‌ی میزان درآمد دو دهک بالای درآمدی (ثروتمندترین) به دو دهک پایین درآمدی (فقربرترین):** نسبت هزینه دو دهک بالای درآمدی به دو دهک پایین درآمدی از سال 1378 تا سال 1385 روندی نسبتاً مشابه داشته است. و از 8/66 برابر به 8/75 برابر رسیده است. این نسبت در سال 13/83 برابر بوده که به 8/75 در سال 86 افزایش یافته است که نشان از نادعادلانه تر شدن وضعیت توزیع درآمد در سالهای اخیر دارد. بر اساس گزارش بانک جهانی ایران بین 12 کشور منطقه بدترین وضعیت را دارد. بهترین نسبت به کشور پاکستان با 4/3 برابر تعلق دارد.

– **رفاه اجتماعی:** شاخص رفاه اجتماعی که نشان دهنده‌ی ترکیبی از رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارد، در ایران از سال 1378 از عدد 2404 به 3115 رسیده است. این شاخص از سال 1383 تا کنون وضعیت نزولی داشته و از 3187 به 3115 کاهش یافته است.

– **توسعه‌ی انسانی:** شاخص توسعه انسانی که به طور همزمان، امید به زندگی، سطح آموزش و درآمد سرانه را می‌سنجد و ایران بر اساس گزارش بانک با میزان 759 درصد، رتبه 94 جهان را دارا می‌باشد.

– **فقر انسانی:** از نظر فقر انسانی، ایران در بین 10 کشور منطقه در سال 2007 با میزان 12/9 درصد رتبه‌ی پنجم را کسب نموده است.

#### پتانسیلها و مزیتها

1) حجم بالای یارانه‌ها که امکان توزیع عادلانه را فراهم می‌کند.

2) ظرفیت بالقوه‌ی کسب درآمد از طریق مالیات

3) ظرفیت های وسیع کشور برای رشد اقتصادی، افزایش درآمد سرانه و توسعه ی اشتغال که در بخش اقتصادی این برنامه به تفصیل به آنها اشاره شده است.

### چالشها

- 1) ناکارایی نظام مالیاتی کشور و عدم امکان دریافت مالیات واقعی از ثروتمندان
- 2) پرداخت ناعادلانه ی یارانه ها میان دهکهای مختلف درآمدی به نحوی که ده درصد بالای درآمدی (ثروتمندترین) نسبت به ده درصد پایین درآمدی (فقیرترین)، 4/5 برابر بیشتر از یارانه ها استفاده می کنند.
- 3) عدم امکان استفاده از فرصت های برابر و امکانات عمومی به دلیل ناتوانی فقرا از پرداخت هزینه های جنبی استفاده از فرصت های عمومی
- 4) وجود نابرابری منطقه ای به دلیل محرومیت های طبیعی برخی از مناطق و کمبود زیر ساخت های توسعه ای
- 5) وجود برخی رانت های اطلاعاتی و دسترسی به امکانات و منابع مالی و تسهیلات بانکی برای گروههای خاص و با درآمد بالا.
- 6) عدم پوشش کامل نظام تأمین اجتماعی در لایه های مختلف
- 7) عرضه ی نیروی کار بیشتر از تقاضای بازار کار که موجب کاهش شدید سطح دستمزدها بویژه برای گروه های پایین درآمدی شده است.
- 8) تحمیل هزینه های غیرقابل پیش بینی نظیر هزینه های کمرشکن درمان، بروز حوادث طبیعی، از دست دادن سرپرست خانوار در حوادث رانندگی و نظایر آن.
- 9) نرخ بالای تورم که موجب تشدید شکاف طبقاتی می شود.
- 10) اعمال سیاست کنترل قیمت محصولات کشاورزی برای حمایت از مصرف کنندگان که موجب پایین آمدن میزان درآمد روستاییان گردیده است.
- 11) پرداخت غیرهدفمند یارانه های در بخش های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی که اولاً موجب کاهش توان مالی دولت برای توسعه ی فعالیت ها در مناطق محروم و غیر برخوردار می گردد و ثانیاً موجب امکان استفاده ی ثروتمندان نسبت به فقرا شده است.

### اهداف کلان

توزیع عادلانه ی ثروت، فرصت ها و امکانات عمومی کشور بین آحاد مختلف جامعه

### اهداف کمی

- 1) کاهش ضریب جینی به 0/35 تا پایان برنامه
- 2) کاهش نسبت درآمد دو دهک بالای درآمدی به دودهک پایین درآمدی به 6 برابر
- 3) افزایش شاخص رفاه اجتماعی به 4550 در پایان برنامه
- 4) بهبود جایگاه در میان کشورهای جهان از نظر شاخص توسعه ی انسانی به میزان 20 رتبه

### راهبردها

- 1) هدفمند نمودن یارانه ها با اعطای سهم مساوی به دهک های مختلف از ثروت عمومی کشور.

- 2) اختصاص بخشی از منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه ها برای تقویت زیر ساخت های مناطق محروم و کمتر توسعه یافته.
- 3) استفاده از بخشی از منابع حاصل از هدفمند کردن یارانه ها ، برای توسعه ی نظام های تأمین اجتماعی و حمایت از اقشار نیازمند جامعه.
- 4) حمایت از آن دسته از گروه های اجتماعی که به دلیل عقب افتادگی های جسمی، ذهنی ، فرهنگی ، جغرافیایی و تاریخی امکان بهره مندی از امکانات عمومی جامعه در فضای رقابتی و مساوی را ندارد.
- 5) برقراری شرایط توزیع برابر فرصت ها و امکانات عمومی بویژه در زمینه های آموزشی، بهداشت و درمان و اعمال حمایت های ویژه برای بهره مندی نیازمندان از این فرصت ها و امکانات
- 6) کاهش نابرابری های منطقه ای از طریق توانمندسازی مناطق مستعد توسعه.
- 7) بکارگیری ابزارهای مالیاتی در جهت کاهش شکاف درآمدی.
- 8) توانمندسازی تخصصی و مالی گروه های هدف (دهک های پایین درآمدی) روش های فنی و حرفه ای ، اعطای تسهیلات ارزان قیمت.

### **اقدامات اساسی**

- 1) اجرای مرحله ای برنامه ی هدفمندسازی یارانه ها تا پایان برنامه.
- 2) توسعه ی نظام های تأمین اجتماعی بر اساس راهبردهای این فصل.
- 3) اصلاح نظام مالیاتی کشور و پرداخت درآمدهای حاصل از مالیات بر ثروت و دارایی برای توانمند سازی نیازمندان.
- 4) بازپرداخت مالیات دریافتی از بنگاه های اقتصادی مستقر در مناطق غیر برخوردار در 5 سال اول بهره برداری.
- 5) تکمیل امکانات زیربنایی از قبیل آب ، راه و مخابرات در مناطق محروم در دو سال اول برنامه.
- 6) محدود شدن یارانه ی کالاهای اساسی به جامعه تحت پوشش نهادهای حمایتی شهری و کل جامعه ی روستایی در سال اول.
- 7) ایجاد مراکز آموزشی فنی و حرفه ای ویژه برای افراد نیازمند جویای کار و جویندگان کار خانوارهای تحت پوشش

### **2) حمایتها و مساعدتهای اجتماعی:**

#### **تصویر اجمالی وضعیت موجود**

وظایف حمایتی دولت به خانوارهای نیازمند؛ شامل زنان و کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست، ناتوان جسمی و روحی، سالمندان ناتوان از اشتغال و غیرمشمول نظام بیمه ای و آسیب دیدگان حوادث طبیعی ؛ توسط کمیته ی امداد امام خمینی(ره)، سازمان بهزیستی کشور، جمعیت هلال احمر ج.ا.ا و برخی از انجمن ها و خیریه های انجام می شود.

مجموع خانوارهای تحت پوشش سازمان های حمایتی فوق الذکر 2/174/000 خانوار در سال 1386 می باشد که با احتساب افراد تحت پوشش خانوارهای مذکور مجموعاً 5/720/000 نفر(معادل 8/2 درصد از جمعیت کشور) تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار دارند.

تعداد خانوارهای تحت پوشش سازمان های حمایتی در سال 1386 به نسبت سال 1383 جمعاً ، 13 درصد رشد داشته است.

بر اساس آمار سازمان های حمایتی مجموعاً 750 هزار خانوار پشت نوبت دریافت خدمات از سازمان های حمایتی میباشند. زنان خود سرپرست خانوار ، 56 درصد از مجموع خانوارهای تحت پوشش سازمان های حمایتی می باشند. مجموع ایتم تحت پوشش سازمان های حمایتی، 460 هزار نفر در سال 1386 می باشد که نسبت به آمار ایتم سال 1379 26 درصد کاهش دارد.

میانگین مستمری ماهانه ی پرداختی از سوی نهادهای حمایتی با 343 درصد افزایش از 81250 ریال در سال 1379 به 360000 ریال در سال 1386 افزایش یافته است. البته در صورت تعدیل میزان مستمری پرداخت شده با توجه به سطح تورم عمومی قیمت ها، مشاهده می شود طی این سالها، ارزش واقعی (قدرت خرید واقعی) کاهش یافته است. علاوه بر اعتبارات فوق کمک های غیر نقدی نیز به خانوارهای مورد اشاره در قالب کمک هزینه ی مسکن ، بیمه ی درمان ، کمک هزینه ی تهیه ی جهیزیه ، کمک به طرح های خود کفایی مددجویان، هزینه های فرهنگی و سایر موارد اعطا می شود.

634803 نفر از معلولان کشور در سال 1386 تحت پوشش خدمات توان بخشی قرار گرفته اند. درصد افراد دچار فقر غذایی ( سرانه روزانه کمتر از 2000 کیلو کالری) 7 درصد و درصد افراد دچار فقر مطلق 11/1 درصد در سال 1386 برآورده شده است.

### **پتانسیلها و مزیتها**

1) تأکید قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله ی کشور بر حق آحاد جامعه در بهره مندی از سطح زندگی مناسب و ارتقای وضعیت رفاه و عدالت اجتماعی

2) برخورداری از انباشت قابل توجهی تجارب مفید در سازمان های فعال حوزه ی حمایتی.

3) وجود ظرفیت جذب منابع مالی حاصل از آموزه ها و تکالیف دینی همچون زکات ، وقف و هبه.

4) گستردگی شبکه های ارائه ی خدمات حمایتی ، توانبخشی و مراکز مداخله در سطح کشور

5) وجود ظرفیت های بالقوه ی مردمی در قالب تشکیل نهادهای خیریه.

6) استفاده از ظرفیت های انسانی و مالی ایرانیان خارج از کشور

7) وجود حمایت های سیاسی در مقامات تصمیم گیری کشور.

8) امکان بهره مندی از دیدگاه های مذهبی در جهت هدایت وجوهات مذهبی به سمت سیاست های حمایتی

9) گرایش به خیرخواهی و نوع دوستی فرهنگ مردم ایران و تأکید آموزه های دینی در این خصوص.

10) اقبال رسانه های عمومی به این حوزه

11) ارتقای نسبی برخی شاخص های اجتماعی اثرگذار بر حوزه ی حمایتی از قبیل باسوادی، سلامت ، تغذیه و...

12) گسترش مراکز خصوصی ارائه دهنده خدمات

13) موفقیت برخی سازمان های حمایتی در بهره گیری از توانمندیهای بخش غیردولتی اجماع نظر کارشناسان و مجریان دولتی در جهت هدفمند نمودن یارانه ها و هدایت منابع ناشی از هدفمندی برای حمایت اقشار آسیب پذیر

14) دستیابی به استراتژی های موثر ناشی از تجربیات کشورهای موفق در حوزه ی فقر زدایی و بومی سازی این تجربیات

## چالشها

1. عدم وجود مکانیزمی برای شناسایی و نگهداری بانک اطلاعاتی معلولان و گروه های آسیب پذیر
2. فقدان نظم یکپارچه ی آماری
3. ضعف در برنامه ریزی، اجرا و نظارت بر اجرای سیاستهای توانمند سازی و کاهش محرومیت
4. وجود همپوشانی و موازی کاری در سازمانهای حمایتی در مرحله ی ارائه ی خدمات حمایت و توانمند سازی
5. عدم توجه به الگوهای علمی در شناسایی خانواده ها، دسته بندی مزایا، گزینش خانواده ها و سایر الگوهای هدفمندی مزایا اجتماعی
6. عدم توجه ی کافی به اقدامات پیشگیرانه و رویکرد توانمند سازی در حوزه ی حمایتی
7. عدم سازماندهی و استفاده موثر از مشارکت های خودجوش مردمی
8. عدم توجه به موضوعات کلیدی در سیاست های حمایت های اجتماعی از جمله آثار پنجگانه ی: چسبندگی به نظام حمایتی، بدنامی اجتماعی، بروز علایم وابستگی مضاعف به دلیل کامل نبودن بسته ی مزایای حمایتی، بکارگیری سیاست هایی که بیکاری را افزایش می دهد، عدم گزارش وضعیت جدید از سوی خانواده به سبب نگرانی از حذف حمایت های اجتماعی.
9. ناکارآمدی برخی از قوانین حوزه ی حمایتی و توانمندسازی و عدم اجرای کامل قوانین و مقررات مرتبط با حمایت های اجتماعی.
10. وجود برخوردهای سلیقه ای در تدوین و اجرای برنامه های پیشگیری، کنترل، کاهش مشکلات و آسیب های اجتماعی، بازتوانی افراد دچار مشکل، ارتقای کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی و کمبود سازمانهای مردم نهاد در این زمینه ها.
11. ایجاد روحیه ی وابستگی به سازمان های حمایت به سازمان های حمایتی در جامعه ی هدف
12. آشفتگی و پراکندگی در سیاست ها و برنامه های فقرزدایی در ایران
13. وجود نوسانات شدید در اقتصاد کشور از جمله تورم

## اهداف کلان

- \* تعیین جایگاه و بسته ی حمایتی استاندارد برای گروه های مختلف آسیب دیده و آسیب پذیر در نظام جامع حمایت ها و مساعدت های اجتماعی
- \* مدیریت و کنترل پدیده ی فقر در کشور
- \* توانمندسازی افراد و خانوارهای آسیب پذیر و آسیب دیده و هدایت آنان به سمت لایه های بالایی نظام تأمین اجتماعی
- \* پیشگیری از افزایش کیفیت زندگی خانوارهای تحت پوشش حمایت قبل از توانمندسازی
- \* افزایش مشارکت بخش غیردولتی در مدیریت و ارائه ی خدمات حمایتی و توانبخشی

## اهداف کمی

- کاهش درصد افراد دچار فقر غذایی (سرانه ی روزانه ی کمتر از 2000 کیلوکالری) از 7 درصد به 2 درصد در پایان برنامه.

- کاهش درصد افراد دچار فقر مطلق از 11/1 درصد به 7 درصد در پایان برنامه

- کاهش نرخ بروز معلولیت از 4/2 درصد به 2/1 درصد در پایان برنامه

- افزایش نسبت زنان سرپرست توانمند شده جامعه ی هدف از 1/36 درصد به 2/3 درصد در پایان نامه

- افزایش تعداد افراد بهره مند از خدمات توانبخشی به کل جامعه ی هدف به میزان دو برابر وضع موجود در پایان برنامه

- افزایش نسبت مستمری پرداختی به افراد تحت پوشش حمایتی از حداقل 20 درصد دستمزد در وضع موجود به 40 درصد

در پایان برنامه

### راهبردها

1. طبقه بندی لایه صفر به دو لایه زیر:

**الف:** گروه های آسیب پذیر اجتماعی از جمله کودکان بی سرپرست ، زنان بی سرپرست، خانواده های زندانیان، کودکان 13 تا 18 ساله در خانواده های بی سرپرست و بدسرپرست؛ تحت پوشش نهادهای حمایتی منطقه ای و محلی یا مدیریت غیر متمرکز توسط شهرداریها و سایر نهادهای مردمی محلی قرار می گیرند.

**ب:** افراد نیازمند و مسن ، بالای 65 سال تحت پوشش نهاد حمایت های اجتماعی کشوری و ملی با مدیریت متمرکز قرار گیرند.

2. ارائه ی خدمات حمایتی مستقیم به صورت زمانمند و متناسب با درجه ی توانمندی جامعه ی هدف.

3. ظرفیت سازی و توان افزایی سازمان های مردم نهاد با تأکید بر تقویت سنت های حسنه ی دینی و ملی در جهت ارتقای مشارکت مردمی.

4. تقویت زمینه های مشارکت موثر گروه های هدف در فرآیند توانمندسازی، توسعه ی برنامه های اجتماع محور و خانواده محور و توانبخشی مبتنی بر جامعه.

5. توانمندسازی افراد قابل بازتوانی ؛ مانند افراد نیازمند، معلولان، آسیب دیدگان اجتماعی و آسیب دیدگان از رویدادهای غیر متقربه و حوادث طبیعی.

6. توسعه ی نظام های پیشگیری، مداخله ی به هنگام و خدمات اورژانس اجتماعی.

7. گسترش برنامه های اجتماع محور و توانمندسازی افراد و گروه های آسیب دیده ی اجتماعی و در معرض آسیب.

8. تقویب وظایف حاکمیتی سازمان های متولی به جای تصدی گری آنها و رفع هم پوشانی های و موازی کاری های سازمان موجود.

9. یکپارچگی در تولید، تجمیع منابع، مدیریت مالی و نظارت برنامه های حمایت های اجتماعی و فقرزدایی.

10. ارائه ی خدمات مبنی بر حفظ کرامت انسانی افراد خدمات گیرنده.



## اقدامات اساسی

- 1) توسعه ی طرح های آگاه سازی جامعه در خصوص نوع و نحوه ی فعالیت های سازمان متولی ارائه ی خدمات
- 2) تبیین رویکرد فقرزدایی (با تأکید بر فقر قابلیت و بامحوریت توانمندسازی و عدالت اجتماعی).
- 3) تبیین الگوهای حمایتی اجتماعی با توجه به اصول علمی و تکنیک های شناسایی افراد، گروه ها و خانوارها بر مبنای آزمون استطاعت مالی، نیاز و سایر تکنیک های خانواده محور.
- 4) طراحی و تدوین بانک جامع اطلس جغرافیایی فقر نسبی و مطلق در گروه های جمعیتی کشور با توجه به شاخص هایی چون ضریب جینی و نسبت بیستک بالا و بیستک پایین و شاخص رفاه اجتماعی.
- 5) توسعه ی نوع و دامنه ی طرح های مداخله ای به هنگام (اورژانس اجتماعی، غربالگری شنوایی و ...)
- 6) به روز رسانی روش های جمع آوری اطلاعات و بهره گیری از فناوری های جدید.
- 7) افزایش بهره گیری از توان و ظرفیت بخشی غیر دولتی
- 8) افزایش کمی و کیفی برنامه های مداخله ای به هنگام در بحرانهای اجتماعی (شبکه خدمات اورژانسی، صدای مشاور، کودکان خیابانی و کاهش طلاق و...)
- 9) توسعه ی خرید خدمات پیشگیری از معلولیت ها، خدمات حمایتی، توانبخشی، توانمند سازی و سایر خدمات مربوط از بخش غیردولتی.
- 10) تنظیم برنامه ی جامع برای پیشگیری و مبارزه با پدیده ی تکدی گری
- 11) توسعه فعالیت صندوق فرصت های شغلی برای توانمند سازی جامعه هدف

## الف ساختار دولت و دستگاههای اجرایی

بررسی انجام شده در حوزه ساختار شامل دولت مردم سمن ها شوراهای و شهرداری هاست

### پتانسیل ها و مزیت ها

- ۱) برخورداری قوه مجریه از اختیارات قانونی کافی برای اصلاح ساختارها
- ۲) پیش بینی جایگاهی مناسب و اختیارات کافی برای شوراهای شهر و روستا در قانون اساسی
- ۳) دسترسی و بهره برداری فزاینده از منابع اطلاعاتی و دانش مدیریت و فناوری نوین اداری و وجود مطالعات متعدد در زمینه ساختار کلان دولت
- ۴) وجود تخصص های لازم برای توسعه زمینه های خاص در سازمان های مردم نهاد سمن

### چالش ها

- ۱- ساختار غیر مرتبط و غیر پاسخگو در برابر مردم
- ۲- عدم وجود بخش خصوصی غیر دولتی کارا و توانمند برای پذیرش بخشی از تصدی های دولت

امکان گسترش کمی ساختار دولت توسط مراجع متعددی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای گسترش آموزش عالی و مجامع عمومی شرکتهای دولتی

۳- گسترده‌گی زیاد تصدی‌های اقتصادی و اجتماعی دولت و محدود بودن نقش و مشارکت مردم در توسعه کشور

۴- فقدان نظام یکپارچه ملی نظارت و پاسخگویی به مردم

۵- متمرکز بودن نظام تصمیم‌گیری نبود اختیارات لازم در نزد مدیران استانی پیچیدگی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری

۶- فقدان یکپارچگی و انسجام درونی در تشکیلات دولت

۷- انزوا و فقدان ارتباطات و هماهنگی بین سمن‌ها ارتباط ناکافی با قشرهای مختلف و جدی نگرفتن فعالیت‌های تشکلهای غیردولتی توسط دولت

۸- فقدان برنامه و راهکارهای لازم برای همکاری سازمانهای غیردولتی و دولتی

۹- مشخص نبودن جایگاه واقعی شوراهای شهر و روستا در سیستم اجرایی کشور

### اهداف کلان

✓ تحدید نقش دولت به زمینه‌های سیاستگذاری استانداردسازی نظارت توسعه زیرساخت‌ها اجرای امور حاکمیتی و

تعادل بخشی در حوزه‌های مختلف جامعه

✓ ایجاد زمینه و ظرفیت‌های لازم برای توسعه نقش و مشارکت مردم در اداره امور کشور و بهبود مستمر استانداردها

✓ بسترسازی برای گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد سمن‌ها پشتیبانی از اقدامات وحدت‌بخش و کارکردهای نظارتی

تسهیل تعاملات بین ارکان حکومتی سازماندهی آموزش و بسیج گروه‌های مردمی برای مشارکت گسترده در

شئون مختلف اداره کشور

✓ توسعه نقش و مأموریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها از خدمات عمومی شهری به مدیریت یکپارچه شهری

✓ استقرار نظام اداری غیرمتمرکز قانونمند و مقتدر با اختیارات و منابع مالی و فنی مکفی

✓ استقرار نظام جامع تصمیم‌گیری در سطوح دولت سهولت در فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری همراه با

تفکیک حدود اختیارات مراجع تصمیم‌گیری متوازن ساختن اختیارات در سطوح ملی و دستگاہی و منطقی و

متوازن ساختن اختیارات و مسئولیت‌ها

✓ ارتقای شیوه‌های خدمت‌رسانی به مردم با بهره‌گیری از مدل منسجم و کارایی ارائه خدمات دولتی به جای مدل

های جزئی ناقص و بخشی با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و موثر خدمات‌رسانی

### اهداف کمی

• کاهش حداقل ۲۰ درصد دستگاہهای اجرایی

• کاهش حداقل ۲۰ درصد تعداد پست‌های مدیریتی و سرپرستی

- واگذاری حداقل ۵ درصد از تصدی های موجود دولت در بخش های اجتماعی فرهنگی و خدماتی به بخش غیردولتی در هر سال

## راهبردها

- ۱) ظرفیت سازی ملی و توانمندسازی بخش غیردولتی برای پذیرش تصدی های قابل واگذاری دولت
- ۲) تقویت بعد نظارتی دولت برای واحدهای غیر دولتی
- ۳) انجام مأموریت های دولت در زمینه های اجتماعی فرهنگی آموزشی از طریق خرید خدمات از بخش غیر دولتی واگذاری مدیریت واحدهای تحت تملک خود به بخش غیردولتی و مشارکت بخش غیردولتی به جای تصدی امور
- ۴) بازمهندسی فراساختار دولت با رویکرد فرآیندی و ادغام و تحدید وزارتخانه های دارای اهداف مرتبط
- ۵) ایجاد انسجام و یکپارچگی در ساختار دولت از طریق انجام اصلاحات گسترده
- ۶) حمایت قانونمند دولت از فعالان غیردولتی بخش های اجتماعی فرهنگی
- ۷) فراهم آوردن زمینه های قانونی برای شهروندان و بخش خصوصی به منظور استیفای حقوق خود
- ۸) پیش بینی متولی قانونی با مأموریت گسترش ترویج و حمایت از سازمان های مردم نهاد در کلیه دستگاه های دولتی تحت نظر سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- ۹) نظام نمودن تعامل دستگاه های اجرایی با سازمان های مردمی و مشارکت دادن آنها در فرآیندهای تصمیم سازی و تصمیم گیری

- ۱۰) تدوین نظام های حمایتی و نظارتی برای ایجاد سازمان های مردم نهاد
- ۱۱) تصویر یک مدل قانونمند برای تمرکز زدایی دستگاه های دولتی
- ۱۲) واگذاری وظایف مربوط به امور شهری فرهنگی اجتماعی عمرانی اقتصادی آموزشی و بهداشتی دستگاه های اجرایی به شهرداری ها و شوراهای اسلامی شهر
- ۱۳) واگذاری وظایف مربوط به توسعه و عمران روستایی به دهرداری های شورای اسلامی روستا
- ۱۴) بررسی مأموریت ها و وظایف شوراها و مجامع عالی تصمیم گیری بر رویکرد جلوگیری از تداخل و توازی وظایف و تعیین تکلیف شوراهای تصمیم گیری در جهت کاهش و اقدام شورا های مشابه و موازی
- ۱۵) فراهم آوردن زمینه های نظارت مستمر مردم و سمن ها و نحوه انجام خدمات و چگونگی رسیدگی به کار مردم

## اقدامات اساسی

- ۱) بازنگری در مأموریت ها و وظایف
- بازنگری در مأموریت ها و وظایف وزارتخانه ها سازمان ها شرکت های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سایر ارکان حاکمیت در اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون مدیریت خدمات کشوری به منظور شناخت وظایف قابل واگذاری به مردم سمن ها و شهرداریها و بازطراحی ساختار دستگاه ها بر اساس وظایف باقیمانده و تدوین برنامه اجرایی لازم برای واگذاری مأموریت های شناسایی شده
- ۲) اصلاحات در فراساختار دولت

## الف) وزارتخانه ها

- از ادغام سازمان تربیت بدنی و سازمان ملی جوانان وزارت جوانان و ورزش ایجاد میشود

- سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری و سازمان اسناد و کتابخانه ملی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می گردند
- از ادغام وزارت بازرگانی و وزارت اقتصاد و دارایی وزارت اقتصاد و بازرگانی ایران می شود
- انتزاع وظیفه آموزش پزشکی از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و انتقال آن به وزارت علوم تحقیقات و فناوری
- ایجاد وزارت سلامت و رفاه اجتماعی با تجمیع مأموریت های بهداشت درمان رفاه و تامین اجتماعی در یک وزارتخانه با واگذاری وظایف تصدی گری وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به بخش غیردولتی و اداره واحدهای دولتی باقی مانده به طریق هیئت امنایی
- ادغام وزارت نفت و وزارت نیرو و سازمان انرژی اتمی و ایجاد وزارت انرژی
- با انتزاع وظایف مربوط به آب از وزارت نیرو و اداره امور جنگلها از وزارت جهاد کشاورزی و اقدام با سازمان حفاظت محیط زیست وزارت منابع و محیط زیست ایجاد می شود.
- از ادغام وزارت کشاورزی و وزارت صنایع وزارت تولید ایجاد می گردد.
- با انتزاع وظیفه اجرای طرح های عمرانی از وزارت راه و ترابری و ساختمانهای دولتی از دستگاه اجرایی و انتقال آن به وزارت مسکن و شهرسازی نام این وزارتخانه به وزارت عمران مسکن و شهرسازی تغییر می یابد.
- با ادغام وزارتخانه های راه و ترابری و ارتباطات و فناوری اطلاعات وزارت حمل و نقل و ارتباطات ایجاد می شود.
- از ادغام وزارت کار و امور اجتماعی وزارت تعاون وزارت کار و تعاون ایجاد می شود.

#### **ب) با انجام اصلاحات فوق سازمانهای زیر نظر رئیس جمهور به شرح زیر تعیین می شود و برنامه ریزی کشور مورد**

##### **شهید و امور ایثارگران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**

بدین ترتیب تعداد وزارتخانه ها و سازمانهای وابسته به ریاست جمهوری که توسط معاونان رئیس جمهوری اداره می گردند از ۳۰ وزارتخانه و سازمان به ۱۹ وزارتخانه و سازمان تقلیل می یابد (با احتساب ایجاد ۲ وزارتخانه جدید کاهش ۷ وزارتخانه موجود و ۶ سازمان وابسته به ریاست جمهوری)

۳) احیا و تقویت سازمان مدیریت و برنامه ریزی: به منظور تقویت هدایت و راهبری نظام مدیریتی برنامه ریزی و اداری کشور سازمان مدیریت و برنامه ریزی با ساختاری کوچک منعطف پویا و توانمند احیا و تقویت می شود.

##### **۴) مدیریت جامعه شهری**

به منظور طراحی و اجرای مدل جامع مدیریت شهری و واگذاری امور مردم به آنها و کاهش تصدی ها و تقویت وظایف ستادی دولت آن دسته از وظایف اجرایی مربوط به دستگاه های اجرایی که از طریق واحدهای محل مستقر در استان ها و شهرستان انجام میشود طبق فهرست ذیل به شهرداری ها واگذار می گردد تا تحت نظارت شوراهای شهر به انجام برسانند.

#### **الف) تامین و ارائه زیرساخت های شهری شامل:**

- ✓ توسعه و بهره برداری از تاسیسات آب و دفع و تصفیه ی و فاضلاب
- ✓ توسعه و بهره برداری از تاسیسات مربوط به برق رسانی شهری
- ✓ توسعه و بهره برداری از تاسیسات گازرسانی شهری
- ✓ توسعه و بهره برداری از تاسیسات مخابراتی تلفن تلگراف و ..... شهری

### **(ب) تامین و ارائه خدمات اجتماعی شامل:**

- ✓ تامین خدمات تسهیلات و اداره ی واحدهای آموزش عمومی از ابتدایی تا متوسطه
- ✓ تامین خدمات تسهیلات و اداره واحدهای خدمات بهداشتی و درمانی
- ✓ تامین خدمات تسهیلات و اداره واحدهای ورزشی و تفریحی
- ✓ تامین خدمات تسهیلات و اداره واحدهای فرهنگی و مذهبی
- ✓ سامان‌دهی و سهولت فضای کسب و کار در سطح محلی
- ✓ تامین خدمات تسهیلات و اداره امور حفاظت از محیط زیست شهری
- ✓ حفاظت و بهره‌برداری از آثار و بافتهای تاریخی فرهنگی و طبیعی با ارزش شهری
- ✓ امور بهزیستی توانبخشی
- ✓ مبارزه با بیسوادی
- ✓ کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی
- ✓ برنامه ریزی برای تامین مسکن گروه‌های کم درآمد

### **(پ) مدیریت زمین ساختمان و مسکن شهری شامل**

- ✓ تملک حفاظت آماده‌سازی و استفاده بهینه از اراضی شهری
- ✓ احداث ابنیه تاسیسات و تجهیزات عمومی شهری
- ✓ احیا و نوسازی بافت های فرسوده شهری

### **(ت) تامین و ارائه خدمات شهری شامل**

- ✓ مدیریت بحران
- ✓ پدافند غیرعامل
- ✓ ساماندهی صنایع و مشاغل
- ✓ اورژانس
- ✓ تعیین نظارت و کنترل نرخ های واحدهای صنفی با هماهنگی تشکلهای و صنوف
- ✓ برنامه‌ریزی و مدیریت نظم و انضباط عمومی شهری

### **(ث) وظایف مدیریتی و برنامه ریزی شامل:**

- ✓ وظایف و اختیارات لازم برای کنترل و نظارت در حوزه های سازمانی و تشکیلاتی مالی فنی و عمرانی حقوقی و قانونی شهر و شهرداری ها
- ✓ وصول و تخصیص اعتبارات و بودجه های عمومی کمک های مالی دولت و درآمدهای محلی
- ✓ تهیه برنامه توسعه و عمران شهری و اجرایی آنها طرح های جامع برای کلانشهرها و تفصیلی
- ✓ برنامه ریزی تامین منابع درآمدی پایدار برای توسعه و نگهداری شهر
- ✓ برنامه ریزی تخصیص اعتبارات و بودجه های عمومی و کمکهای مالی دولت به نهادها و دستگاه های محلی
- ✓ تعیین عوارض مستمر و غیرمستمر محلی درآمدهای ویژه و سایر تعرفه های قانونی

## ۵) مدیریت محله

به منظور حسن انجام وظایف محوله به مدیریت شهری (مذکور در بند فوق الذکر) توسعه مشارکت افزایش کیفیت زندگی مردم و انجام نظارت دقیق تر توسط مردم و امور زندگی خود مدیریت محلی با ارکان و وظایف و مسئولیت های ذیل تشکیل می گردد:

### الف) ارکان مدیریت محله ای

➤ شورای اسلامی محل

➤ شهردار محل

### ب) وظایف و مسئولیت های مدیریت محله ای

- اداره برخی از واحدهای خدمات شهری مانند پارکها و بوستانها مبلمان و زیباسازی محل پدافند غیر عامل
- مدیریت بحران میادین و بازارچه های میوه و تره بار
- مشارکت در بهره برداری و حفاظت از آثار تاریخی فرهنگی طبیعی با ارزش محلی
- مشارکت در برقراری نظم و امنیت محلی
- مشارکت در اداره واحدهای خدمات عمومی مستقر در محل مانند مدارس واحدهای خدمات بهداشت و درمان و خدمات ورزشی تفریحی خدمات فرهنگی مذهبی
- کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی در سطح محلی
- شناسایی گروهها و اقشار آسیب پذیر و اولویت بندی آنها برای تحت پوشش قرار دادن ارائه خدمات حمایتی از قبیل مسکن کم درآمدها پرداخت های مستقیم
- نظارت محلی بر حسن اجرای طرح های توسعه و عمران محل
- کمک به تامین منابع درآمدی پایدار برای توسعه محل
- کمک در تهیه طرح های تفصیلی مناطق
- پیشنهاد اولویت های عمرانی و خدماتی محلی به شهرداری شهر ذیربط
- بررسی و شناسایی نیازهای عمرانی و خدماتی محل

### ۶ الزامات اجرای بندهای ۴ و ۵:

- برای تحقق نظام جامع مدیریت شهری ( بند ۴) و ایجاد مدیریت محلی اقدامات زیر انجام می پذیرد:
- لایحه قانونی انتخاب شورای اسلامی محله و شهرداری محله و انتخاب مستقیم شهردار شهر و محله توسط مردم حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود
  - مدیریت جامعه شهری و مدیریت محله یک سال پس از تصویب برای کلان شهرها و در سال دوم برای شهرهای بزرگ و تا پایان برنامه برای سایر شهرها اجرا می شود
  - درآمدهای حاصل از انجام وظایف مربوط به کمکهای دولت از محل بودجه عمومی به شهرداری ها واگذار می گردد

- به منظور اجرایی نمودن مدل جامع مدیریت شهری طرح اجرایی آزمایشی آن در تهران و سه شهر بزرگ منتخب به مورد اجرا گذاشته می‌شود

### **۷) نحوه اجرای ماموریت دولت**

- وظایف اجرایی دولت در زمینه‌های اجتماعی آموزشی و فرهنگی از طریق عقد قرارداد با بخش غیر دولتی پرداخت قیمت تمام شده آن به روشهای خرید مشارکت با بخش دولتی و واگذاری مدیریت واحدهای دولتی به آنها انجام می‌شود
- استقرار نظام کنترل نتیجه و محصول به جای کنترل مراحل انجام کار لازم و اعطای اختیارات لازم به مدیران برای اداره واحدهای تحت سرپرستی خود به صورت مستقل هدفمند و روش قیمت تمام شده ی برنامه ها

### **۸) واگذاری شرکتهای دولتی**

- واگذاری شرکتهای دولتی که به استناد قانون اصل ۴۴ باید واگذار شوند حداکثر تا پایان سال دوم برنامه به بخش غیردولتی واگذار میگردند
- واگذاری کلیه شرکتهای نسل دوم به بعد تا پایان سال دوم برنامه

### **۹) توسعه سازمان های مردم نهاد**

دولت موظف است به منظور توسعه و شکل گیری سازمان های مردم نهاد نسبت به آموزش تسهیل شکل گیری آنها، پیش‌بینی حضور سازمان های مردم نهاد در نظام های تصمیم سازی دولتی و تدوین استانداردها و تعرفه ها ، قانونمند کردن حقوق آنها در زمینه‌های اظهارنظر و دفاع از حقوق صنفی و تامین حق دسترسی سمن‌ها به اطلاعات فعالیت‌های مشابه در دستگاههای دولتی اقدام نمایند.

### **۱۰) اصلاح ساختار داخلی وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی**

- ✓ کاهش سازمان و موسسه وابسته به وزارتخانه ها از طریق ادغام در یکدیگر و یا ادغام در وزارتخانه های مربوطه
- ✓ ادغام واحدهای استانی و شهرستانی وابسته به وزارتخانه در یک سازمان واحد
- ✓ کاهش سطوح عمودی مدیریت در هر واحد سازمانی به حداکثر سه سطح مدیریتی مانند رئیس معاون و مدیر
- ✓ تجمیع مدیریت های وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و کاهش آن به میزان حداقل ۳۰ درصد از وضع موجود تا پایان سال دوم برنامه

### **ب) سرمایه انسانی**

#### **پتانسیل ها و مزیت ها**

- ۱) وجود ثروت بالقوه انسانی و برخورداری نسبی از نیروی انسانی باتجربه در دستگاههای اجرایی
- ۲) دسترسی فزاینده به منابع اطلاعاتی و الگوها و مدل‌های متعدد و متنوع توسعه سرمایه انسانی
- ۳) وجود دانش‌آموختگان دانشگاهی آماده به کار
- ۴) رشد ظرفیت‌های علمی تحقیق توسعه و مشاوره‌ای در کشور

#### **چالش ها**

- ۱- فقدان نظام مدیریت راهبردی سرمایه انسانی

- ۲ - انتصاب بر اساس سلیقه و معیارهای ذهنی و غیرشفاف
- ۳- عدم انطباق مهارتها و تخصص های نیروی انسانی جدیدالورود با نیازهای اساسی دستگاههای اجرایی در استخدام های خارج از ضابطه
- ۴ - فقدان مشوق های اساسی برای افزایش بهره وری در نظام های جبران خدمت و انتصاب و ارتقای شغلی
- ۵ - فقدان فضای رقابت موثر برای ورود به دستگاه های اجرایی کشور
- ۶ - ضعف در نظام های آموزش حین خدمت برای تطبیق توانمندی کارکنان با پیشرفت های جهانی و با نیازهای شغلی
- ۷- فقدان سنخیت وضعیت تحصیلی کارکنان با نیازهای شغلی سازمان های دولتی
- ۸ - بالا بودن حجم کارکنان دولت و پایین بودن میزان حقوق و مزایای آنان
- ۹- ارتباط ضعیف حقوق و مزایا و ارتقای مدیران و کارکنان دستگاههای اجرایی به میزان رضایتمندی مردم و مراجعان به آنها

### اهداف کلان

- سازگار نمودن سرمایه انسانی دولت در راستای استراتژی های توسعه کشور و بکارگیری مدیران شایسته
- رشد فضایل معنوی و اخلاقی و تحقق منشور رفتاری کارکنان دولت متناسب با طرح مهندسی فرهنگی کشور و اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در مسئولیت های دولتی
- تقویت قانون گرایی انضباط اجتماعی وجدان کاری خودباروری روحیه کار جمعی ابتکار درستکاری قناعت و پرهیز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت در سرمایه انسانی دولت

### اهداف کمی

- ✓ تقلیل نسبت شاغلان بخش عمومی به کل شاغلان کشور از ۲۴ و نیم درصد به ۲۰ درصد
- ✓ کاهش حداقل ۲۰ درصد از مدیران دستگاههای اجرایی در طول برنامه
- ✓ بهبود ترکیب وضعیت تحصیلی کارکنان ستاد دستگاه اجرایی در طول سالهای برنامه به نحوی که حداقل ۷۰ درصد از نیروی انسانی شاغل دارای مدرک کارشناسی و بالاتر باشند
- ✓ تامین حداقل ۷۰ درصد از نیروهای مورد نیاز برای تصدی پستهای مدیریتی حرفه ای از درون دستگاه ذی ربط از طریق نظام ارتقای شغلی
- ✓ تامین حداقل ۷۰ درصد از نیروهای مورد نیاز مدیران دستگاههای استانی از نیروهای بومی استان
- ✓ بهبود ترکیب وضعیت استخدامی نیروی انسانی دولت به نحوی که در پایان برنامه نسبت به کارکنان رسمی به کل کارکنان حداکثر ۶۰ درصد گردد
- ✓ اجرای حداقل ۵۰ درصد از آموزشهای کارکنان دولت به روش الکترونیکی و خود آموزی تا پایان برنامه
- ✓ ارتقای سطح رضایت شغلی کارکنان و بازنشستگان دولت هر سال به میزان ۲۰ درصد نسبت به سال قبل
- ✓ پوشش ۱۰۰ درصد بیمه بیکاری برای کلیه کارکنان غیر رسمی دولت تا پایان برنامه

### راهبردها



- ۱) جذب نیروی انسانی دستگاهها به صورت رقابتی قانون و صرفا در چارچوب مدل جامع برنامه‌ریزی نیروی انسانی کارکنان دولت
- ۲) توسعه توانمندی‌ها و افزایش مهارت‌های فنی انسانی ادراکی و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازگاری با محیط سازمانی و فراسازمانی و ارتقای بهره‌وری در نیروی انسانی دولت
- ۳) تامین کرامت و ارتقاء سطح معیشت و رفاه و رضایت شغلی کارکنان و استقرار نظام عادلانه پرداخت مبتنی بر بهره‌وری کارکنان و رفع تبعیض
- ۴) استقرار نظام‌های پیشرفته خروج از خدمت همراستا با استراتژی‌های توسعه سرمایه انسانی کشور
- ۵) اولویت دادن به اینترگران انقلاب اسلامی و نخبگان در پذیرش سمت‌های حرفه‌ای دستگاه‌های اجرایی در شرایط مساوی با سایر کارکنان
- ۶) استمرار وضعیت استخدامی و ارتقای شغلی کارکنان ثابت با توجه به حفظ توانایی‌های لازم برای ایفای وظایف مورد عمل آنان
- ۷) واگذاری کلیه وظایف اجرایی آموزش و سنجش توانایی‌ها و آزمون‌ها به بخش غیردولتی با پیش‌بینی نظام‌های نظارتی لازم
- ۸) ارتقا و حفظ قدرت خرید کارکنان دولت متناسب با شئون اداری و اجتماعی آنان
- ۹) ارزشیابی عملکرد کارکنان دولت بر اساس نظام‌های پیشرفته ارزشیابی
- ۱۰) برقراری تناسب بین تغییرات کمی نیروی انسانی دولت با استراتژی‌های راهبردهای اصلاحات اداری و ساختارهای رسمی
- ۱۱) اصلاح ساختار و ترکیب نیروی انسانی از نظر سطح تحصیلات تجربه و توانمندی‌های مدیریتی در دستگاه‌های ستادی دولت

۱۲) تنظیم مقررات لازم برای اعمال اولویت‌ها در جذب و ارتقاء شغلی اینترگران و نخبگان

### اقدامات اساسی

- ۱- تأکید بر اجرای کامل و دقیق تمام احکام قانون خدمات کشوری و تهیه آیین‌نامه‌های اجرایی مورد نیاز در سال اول
- ۲- بازمهندسی مشاغل در سطح کلیه دستگاه‌های اجرایی و تدوین شناسنامه‌های جامعه شغلی برای کلیه مشاغل دولت
- ۳- ارتقای کیفی نیروهای موجود از طریق آموزش و توانمندسازی
- ۴- جذب نیروهای مورد نیاز و واجد شرایط از طریق رقابت‌های عادلانه و آزمون‌های سراسری
- ۵- استمرار وضعیت استخدامی و انتصابات با توجه به نتایج عملکردی و آزمون‌های ادواری
- ۶- تنظیم مقررات لازم برای اعمال اولویت‌ها در جذب و ارتقای شغلی اینترگران و نخبگان
- ۷- طرح ریزی نظام مدیریت استراتژیک منابع انسانی کارکنان دولت در پایان سال اول برنامه
- ۸- ایجاد معاونتی مستقل در زیر مجموعه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به منظور اعمال مدیریت راهبردی سرمایه انسانی دولت
- ۹- الزام دستگاه‌های اجرایی به طراحی مشاغل خود و طراحی نظام امتیازی انتصابات در سال اول برنامه
- ۱۰- تهیه شناسنامه‌های شغلی کارکنان مربوط به سنجش توانایی‌های آنها برای تعیین تکلیف استمرار وضعیت استخدامی

شان

- ۱۱- تدوین منشور رفتاری کارکنان دولت که در برگیرنده تمام ویژگی های معنوی و اخلاقی کارکنان نظام جمهوری اسلامی ایران نظیر: قانونگرایی انضباط اجتماعی وجدان کاری خودباوری روحیه کار جمعی ابتکار درستکاری قناعت و گریز از اسراف و اهتمام به ارتقای کیفیت باشد
- ۱۲- تدوین برنامه جامع فرهنگی و آموزشی در سال اول برنامه برای عملیاتی نمودن منشور رفتاری کارکنان و برقراری ارتباط موثر بین معنویات و اخلاقیات با سایر زیرمجموعه های مدیریت منابع انسانی دولت
- ۱۳- تدوین شاخص های بهره وری نیروی انسانی در بخش دولتی در ارتباط با شاخص بهره وری نیروی انسانی کشور بر اساس استانداردهای جهانی و سنجش مستمر آن در سطح دستگاههای اجرایی به منظور برنامه ریزی اقدامات اصلاحی
- ۱۴- حفظ و توسعه توانمندی ها و مهارت های شغلی به صورت خودآموز و آموزش های شغلی که با سنجش های ادواری مورد ارزیابی قرار گرفته و شرط لازم برای اقدام ارتقاء کارکنان دولت محسوب می شود
- ۱۵- طرح ریزی و استقرار نظام متمرکز و یکپارچه آموزش الکترونیکی کارکنان دولت از محل منابع اجرایی دوره های آموزشی دولت و واگذاری مدیریت آن بخش غیردولتی پس از استقرار و ضعف مدت یک سال
- ۱۶- الزام دولت به تنظیم و تصویب سالیانه حداقل حقوق و افزایش ضریب سالیانه حقوق کارکنان بازنشستگان و مستمری بگیران بر اساس کلیه عوامل موثر از قبیل نرخ تورم شاخص هزینه های زندگی و پر کردن تدریجی شکاف ایجاد شده بین نرخ تورم و ضریب حقوقی در سنوات گذشته با ارائه گزارش شفاف مردمی
- ۱۷- توضیح متمرکز و بهره گیری عادلانه از امکانات رفاهی دولت در سطح کشور و رفع تبعیض های موجود در این زمینه از طریق تدوین نظام جامع ایمنی بهداشت و رفاه کارکنان و بازنشستگان دولت ظرف مدت یکسال
- ۱۸- بهبود نظام بازنشستگی و بهره گیری از آن به عنوان یکی از زیرمجموعه های نظام جامع مدیریت سرمایه انسانی دولت
- ۱۹- بهره گیری از توان موسسات مالی و بیمه ای دولتی و غیردولتی برای توسعه ایمنی شغلی کارکنان غیر رسمی از طریق برقراری و بهبود بیمه های بیکاری تا پایان سال دوم برنامه

## پ) فناوری اداری

در این برنامه طبقه بندی مورد استفاده در باره فناوری اداری مجتمع بر بهبود فرایندها دولت الکترونیکی مبارزه با فساد و تعامل دولت با مردم می باشد

## پتانسیل ها و مزیت ها

- ۱- وجود اجماع نظر بین تمامی مدیران و کارکنان دستگاه های اجرایی مبنی بر ضرورت بهبود و اصلاح فرآیندها
- ۲- وجود سند های فرابخشی مورد نیاز برای توسعه دولت الکترونیکی
- ۳- وجود خواست و اراده سیاسی و عزم جدی مقام معظم رهبری و مسئولان عالی نظام برای مبارزه و پیشگیری از فساد در نظام اداری
- ۴- تجارب و اقدامات متعدد در زمینه اصلاح در نظام مدیریت کشور
- ۵- وجود تجربیات سایر کشورها و امکان عضوگیری و استفاده از راهکارهای موفقیت آمیز و تجربه شده توسط آنها
- ۶- وجود جمعیت جوان که با یادگیری و استفاده از فناوری های جدید می توانند گسترش تقاضای خدمات الکترونیکی را تسهیل نمایند

## چالش ها

- ۱- توجه بسیار اندک به روش ها و تکنولوژی علمی و کاربردی و استقبال اندک دستگاه‌های اجرایی از اقدامات مرتبط با بهبود فرایندها و انجام اقدامات صوری به منظور رفع مسئولیت در اجرای قوانین و مقررات
- ۲- عدم توجه به نیازها و انتظارات مشتریان و مراجعان در طراحی و بهبود فرآیندهای کاری
- ۳- مشخص نبودن نهاد راهبری توسعه و گسترش دولت الکترونیکی همچنین تداخل وظیفه‌ای و انجام فعالیت‌های موازی و تکراری
- ۴- ضعف در زیربنا های حقوقی لازم قوانین و مقررات برای استفاده از قابلیت‌های دولت الکترونیکی در ارائه خدمات و تعاملات
- ۵- نقصان سرویس‌های افقی کارکرد مشترک مانند امضای دیجیتال پایگاه‌های اطلاعات پایه پول الکترونیک امنیت شبکه و غیره که به عنوان زیرساخت اساسی برای دولت الکترونیک مطرح می‌باشد
- ۶- عدم وجود رفتارهای ترویجی و انگیزشی در عملکرد های مسئولان عالی دولتی در ارتباط با استفاده از قابلیت‌های دولت الکترونیک
- ۷- فقدان وجود نظام های آماری اثربخش و یکپارچه در سطح کلان و سطح دستگاه ها که باعث شده است که اطلاعات واقعی و روزآمد مورد نیاز برای تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها چه در سطح ملی و چه دستگاهی در اختیار نباشد
- ۸- ضعف نظام نظارت و بازرسی داخلی دستگاه‌های اجرایی و عملکرد کارکنان به ویژه در روابط ایجاد کننده فساد اداری
- ۹- نارسایی قوانین موجود در زمینه پیشگیری و برخورد با فساد و غیر نهادینه بودن اقدام و تنبیهات در این مورد
- ۱۰- ضعف وجود نگرش‌های مردم محور در رفتار و کردار مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی
- ۱۱- فقدان ساز و کارهای قوی و اثربخش در رسیدگی به شکایات مردم از کارکنان و مدیران دستگاه‌های اجرایی
- ۱۲- عدم تأثیر رضایتمندی ارباب رجوع در سرنوشت اداری و استخدامی کارکنان

### اهداف کلان

- افزایش احترام و حفظ کرامت مردم در مواجهه با دستگاه‌های اجرایی کشور
- افزایش میزان رضایت مردم از نحوه ارائه خدمات در نظام اداری کشور
- افزایش سرعت و کیفیت ارائه خدمات در نظام اداری کشور با کمترین هزینه و کمترین مراجعه حضوری مردم
- افزایش پاسخگویی شفافیت و قانون‌گرایی دستگاه اجرایی کشور
- توسعه دولت الکترونیک در بین تمام دستگاه‌های اجرایی کشور
- مبارزه قاطع برای ریشه کنی فساد اداری

### اهداف کمی

- بهبود ۱۰۰ درصد فرایندهای دستگاه اجرایی که منجر به ارائه خدمات به مراجعان می شود .
- کاهش زمان هزینه و افزایش صحت و دقت و پایداری فرایندها به میزان حداقل ۶۰ درصد ۱۵ ساله برنامه و اولویت فرایندهایی که منجر به خدمت به مردم می گردد
- افزایش شاخص‌های میزان اعتماد به دستگاه‌های اجرایی و رضایتمندی مردم از خدمات دولتی از ۷۳,۴ درصد به ۷۳,۵ درصد به حداقل ۸۴ درصد در پایان برنامه
- بهبود شاخص توسل به توصیه و سفارش از ۱۳,۳ درصد در سال ۱۳۸۶ به حداکثر ۵ درصد در پایان برنامه

- بهبود شاخص اطلاع رسانی دستگاه‌های اجرایی به مراجعان از ۷۳ درصد در سال ۸۶ به حداقل ۹۰ درصد در پایان برنامه
- افزایش پاسخگویی و جلوگیری از فساد اداری به نحوی که در پایان سال پنجم بر اساس معیارهای سازمان بین‌المللی شفافیت ایران در زمره ۵۰ کشور پاک قرار گیرد
- رفع موانع اداری پیش روی فعالیت بانگاه‌ها و کسب و کار به نحوی که در ارزیابی بانک جهانی رتبه کشور در هر سال حداقل ۵ رتبه بهتر شود.
- گسترش ارائه خدمات الکترونیکی به نحوی که بر اساس مدل ارزیابی سازمان ملل هر سال ۱۰ رتبه وضعیت کشور بهبود و ارتقا یابد
- استقرار نظام‌های سنجش و ارزیابی و مدیریت عملکرد دستگاه‌های اجرایی با رویکرد نتیجه‌گرایی و سنجش پیامدها در ۱۰۰ درصد دستگاه‌های اجرایی

## راهنماها

- ۱- توسعه رویکرد نتیجه‌گرایی و توجه به پیامدهای عملکردی در انجام فعالیت و پروژه‌های مرتبط و بهبود فرآیندها
- ۲- استقرار نظام ممیزی بهبود فرآیندها
- ۳- تغییر رویکرد ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی در حوزه دولت الکترونیک از عرضه محوری در ارائه خدمات الکترونیکی به تقاضا محوری و میزان تقاضاهای برآورده شده
- ۴- شفافیت در قوانین و مقررات و اطلاع رسانی صحیح دقیق و گردش آزاد اطلاعات
- ۵- مبنا قرار گرفتن اصلاح فرایندهای مستعد فساد برای کاهش فساد پذیری ادارات
- ۶- تشدید مجازات مرتکبین فساد اداری به منظور پیشگیری و کاهش انگیزه اقدام به فساد
- ۷- افزایش نظارت مردمی سمن‌ها و مطبوعات به منظور کنترل فساد و بهبود تعاملات مردم
- ۸- مجازات مدیرانی که کارکنان تحت نظارت آنها مرتکب فساد اداری می‌شوند
- ۹- الزام دستگاه‌های اجرایی به پاسخگویی و تشکله‌ها و مشارکت دادن آنها در فرآیندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
- ۱۰- گسترش ارائه خدمات الکترونیکی و تکمیل زیرساخت‌های فنی لازم برای توسعه دولت الکترونیک به نحوی که امکان تبادل اطلاعات با سرعت و امنیت قابل قبول به دستگاه‌های اجرایی مردم و بانگاه‌ها امکان‌پذیر باشد
- ۱۱- ایجاد تکمیل زیرساخت‌های حقوقی لازم برای توسعه دولت الکترونیک به نحوی که امکان تبادل و پذیرش اسناد دیجیتال به دستگاه‌های اجرایی مردم و بانگاه‌ها امکان‌پذیر باشد و ضمانت‌های لازم را برای حقوق مادی و معنوی بهره‌برداران تامین نماید
- ۱۲- استانداردسازی تعاملات مردم و دستگاه‌های اجرایی
- ۱۳- تسهیل و بهبود فضای کسب و کار از طریق رفع موانع اداری پیش روی فعالیت آنها
- ۱۴- توسعه و توانمندسازی صنعت مشاوره مدیریت در کشور

۱۵- الزام مدیران و مسئولان به پاسخگویی در ارتباط با تصمیمات و عملکردهای خود در قبال مردم و سمن ها و مطبوعات

### اقدامات اساسی

- ۱- آموزش و ترویج استفاده از ابزارها و متدولوژی های بهبود فرایندهای انجام کار
  - ۲- تشویق و انگیزش دستگاههای اجرایی در جهت انجام اقدامات اساسی در حوزه بهبود فرایندها
  - ۳- اصلاح بهبود و ارتقاء سیستم ارزیابی عملکرد موجود به سیستم مدیریت عملکرد دستگاه های اجرایی
  - ۴- استفاده از نظام آماری جامعه در ارتباط با اطلاعات مورد نیاز برای سنجش و مدیریت عملکرد دستگاههای اجرایی
  - ۵- ایجاد تکمیل و بهره‌برداری از بانک‌های اطلاعاتی پایه هویتی مکانی املاک و حقوقی
  - ۶- ایجاد و تکمیل سرویس‌های افقی کارکرد مشترک دولت الکترونیک نظیر امضای دیجیتال پایگاه اطلاعات پایه الکترونیک امنیت شبکه
  - ۷- افزایش ظرفیت ها و توسعه شبکه های زیربنایی مخابراتی
  - ۸- تدوین استانداردهای فنی مورد نیاز برای تبادل و امنیت اطلاعات
  - ۹- گسترش و ارتقاء سایت های اطلاع رسانی به سایت های تعاملی برای ارائه خدمات دستگاههای اجرایی
  - ۱۰- ایجاد پروتال های دستگاه‌های استانی و ملی برای ارائه خدمات الکترونیکی
  - ۱۱- استفاده از ICT برای افزایش قابلیت کنترل و پایش عملکرد سیستم ها و کارکنان دستگاه‌های اجرایی
  - ۱۲- برخورد بسیار جدی و سختگیرانه با فسادهای نظام یافته و بزرگ در نظام اداری
  - ۱۳- تعامل با سازمان های منطقه ای و بین المللی برای استفاده از تجربه آنها در پیشگیری کنترل و کاهش فساد اداری
  - ۱۴- استانداردسازی خدمات عمومی و فرآیندهای آنها
  - ۱۵- طرح ریزی مدل یکپارچه ارائه خدمات دولت به مردم
  - ۱۶- تدوین و اجرای استاندارد هایی برای مدیریت و نظارت بر نقاط تماس مردم و دستگاه های اجرایی
  - ۱۷- تدوین قوانین و مقررات لازم برای حمایت و پشتیبانی از تشکلهای غیردولتی
  - ۱۸- بازنگری قوانین و مقررات و تشدید مجازات قانون‌گریزی مدیران دستگاههای اجرایی
  - ۱۹- جلوگیری جدی از انتصاب مجدد و ارتقای مدیرانی که در تجربه کاری خود فعالیت قانون‌گریزانه داشته اند
  - ۲۰- تدوین مدل معماری فرآیندها در سطح کلان در تمامی دستگاههای اجرایی
  - ۲۱- تشکیل و راه‌اندازی مراکز خدمات الکترونیک در مراکز پر جمعیت شهری
  - ۲۲- ایجاد مرکز بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات مادر با تاکید بر برون سپاری تهیه قوانین
  - ۲۳- طراحی نظامهای سنجش کیفیت خدمات عمومی و حمایت از ایجاد مراکز نظارتی و سنجش مردمی برای
- الف سنجش میزان رضایتمندی مردم از خدمات دولتی
- ب سنجش میزان فساد اداری در دستگاه های اجرایی
- ج سنجش وضعیت دولت الکترونیکی در کشور
- د سنجش میزان سهولت کسب و کار در کشور
- ه سنجش عملکرد دستگاه های اجرایی

۲۴ - پرداخت هزینه های دریافت خدمات با استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی و پایانه های pos در تمامی دستگاههای اجرایی ارائه دهنده خدمت و حذف مراجعه متقاضیان دریافت خدمت به بانکها برای واریز وجوه مورد نیاز تا پایان سال اول اجرای برنامه

۲۵ - تدوین و بهره‌برداری از استانداردهای فنی مورد نیاز برای توسعه ی نرم افزارها و تعامل و یکپارچگی آنها پروتکل های لازم برای تبادل اطلاعات و اسناد بین سازمانها استانداردهای امنیت اطلاعات و سایر استانداردهای فنی مورد نیاز به نحویکه تبادل اسناد و اطلاعات بین دستگاه های اجرایی به صورت ایمن و مطمئن امکان پذیر گردد

۲۶- بازنگری اصلاح و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز در زمینه‌های حفظ حریم خصوصی افراد آزادی گردش اطلاعات و رسانه‌های دیجیتالی مالکیت معنوی پذیرش اسناد دیجیتال استفاده از امضای دیجیتال و همچنین قوانین و مقررات مربوط به جرایم رایانه ای و تقویت تضمین‌های اجرایی آن

۲۷- تکمیل پروتال ملی مردم و پرتال های استانی و الزام دستگاه‌های اجرایی به ارائه لینک ها و اطلاعات کامل صحیح و دقیق و روزآمد در آن جایگاه ها

۲۸- سنجش و پایش مرتب و برنامه ریزی شده ی میزان فساد در دستگاه‌های اجرایی و مقایسه آن با آمارهای بین المللی و وضعیت سایر کشورها توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با همکاری سایر دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول برنامه ریزی و اقدامات مناسب برای کاهش فساد و کسب موقعیت بهتر در سطح جهان

۲۹- اصلاح مقررات استخدامی با رویکرد برقراری ارتباط بین میزان رضایت مراجعان با دستمزد کارکنان و نظامات ارتقای

شغلی